

بررسی و نقد وضعیت نشریات حوزه پزشکی در به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی براساس فرهنگ هزارواژه پزشکی

فاطمه احمدی‌نسب* (دکتری زبان‌شناسی همگانی و استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز)

چکیده: پژوهش حاضر وضعیت نشریات حوزه پزشکی در به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را براساس فرهنگ هزارواژه پزشکی بررسی کرده است. به این منظور شش نشریه برتر این حوزه براساس بالاترین ضریب تأثیر انتخاب شدند. با مطالعه مقالات این نشریات، ۱۵۴۷ اصطلاح تخصصی گردآوری شد. بیشترین اصطلاحات انگلیسی به‌کاررفته در نشریات به ترتیب به مجله دندان‌پزشکی، سالمند، فصلنامه دانش و تندرستی، سلامت کار ایران، شنوایی‌شناسی و حیات مرتبط بود. مجله دندان‌پزشکی با نسبت ۲/۲۱ اصطلاح فارسی به انگلیسی از بیشترین اصطلاحات انگلیسی و نشریه حیات با نسبت ۶/۳۱ از کمترین اصطلاح انگلیسی استفاده کرده است. علاوه بر این، نقاط ضعف فرهنگ هزارواژه پزشکی نیز مشخص شد، مانند وجود برابر‌نهاده‌های مشابه در برابر اصطلاحات متفاوت، استفاده از اصطلاح ادبی در برابر اصطلاح علمی، استفاده از اصطلاح بیگانه در برابر اصطلاح رایج

فارسی، استفاده از برابرنهاده با بار منفی. همچنین وضعیت اصطلاحات تخصصی هر یک از نشریات نیز به صورت جداگانه تحلیل شد که درخصوص آنها نکاتی قابل توجه است، مانند استفاده هم‌زمان از اصطلاح عام و علمی، استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و فارسی، عدم استفاده از وندافزایی فارسی، استفاده افراطی از اشتقاق، استفاده از ترتیب‌های واژگانی مختلف برای اشاره به یک اصطلاح مرکب، استفاده از دو مقوله واژگانی مختلف برای اشاره به یک مفهوم. در مجموع، به نظر می‌رسد که نشریات پزشکی موردبررسی به رعایت و استفاده از واژه‌های مصوب هزارواژه پزشکی فرهنگستان زبان و ادب فارسی توجهی نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: نشریات علوم پزشکی، فرهنگ هزارواژه پزشکی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصطلاحات تخصصی.

۱ مقدمه و بیان مسئله

بر طبق اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زبان و خط رسمی کشور فارسی است. حفظ و اعتلای این خط و زبان بر عهده فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. به این منظور فرهنگستان به سیاست‌گذاری در حوزه زبان می‌پردازد و مصوبات این نهاد پس از تأیید رییس‌جمهور و ابلاغ آن لازم‌الاجرا است. بیشترین خطری که زبان فارسی با آن روبه‌رو است خطر ورود انبوه واژه‌های بیگانه‌ای است که با ورود فناوری‌های نوین وارد زبان فارسی می‌شوند. واژه‌گزینی فرایندی علمی و دقیق است که باید متخصصان حوزه موضوعی و زبان‌شناسان به آن بپردازند و از عهده افراد غیرمتخصص برنمی‌آید. این در حالی است که واژه‌گزینی افراد مختلف برای اصطلاحات علمی به تشّت و پراکندگی و در نتیجه، انبوه برابرنهاده‌های فارسی برای اصطلاحات علمی منجر شده است و این امر با یک اصل اساسی در حوزه زبان علم در تناقض است. بر طبق این اصل، در زبان علم باید تا حد امکان بین مفهوم و اصطلاح تناظر یک‌به‌یک برقرار باشد. شقاقی (۱۳۸۸) معتقد است زبان علم گونه نوشتاری آگاهانه است که هدف آن توصیف مفاهیم در قالب زبان صریح و آسان است و بنابراین، از سبک خاصی متابعت نمی‌کند و درگیر بازی‌های زبانی نمی‌شود. به اعتقاد وی، در حوزه دانش، ثبات معنایی واژه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است تا ارتباط و مبادله اطلاعات به آسانی صورت گیرد.

۲ اهمیت و ضرورت پژوهش

ورود انبوه واژه‌های بیگانه به زبان وضعیتی است که جامعه فارسی‌زبان ایرانی - چه در حوزه واژه‌های عمومی و چه واژه‌های تخصصی - با آن روبه‌رو است. زبان فارسی در حوزه واژه‌های عمومی از طریق ورود کالاها و مفاهیم جدید و در حوزه واژه‌های تخصصی از طریق ورود مفاهیم علمی، نشر متون غیرفارسی علمی و ترجمه‌های فراوان از این متون به مخاطره افتاده است. یکی از این حوزه‌ها حوزه علوم پزشکی است. به علت سرعت روزافزون تولیدات و دستاوردهای این حوزه از دانش و ورود آن به کشور و همچنین نحوه آموزش دانشجویان حوزه پزشکی و تمایل غالب پزشکان و متخصصان این حوزه به تعامل به زبان انگلیسی، بسیاری از اصطلاحات حوزه پزشکی به همان صورت انگلیسی در بین جامعه پزشکی فارسی‌زبان کشور رواج یافته است. شکی نیست که به کار بردن واژه‌های مناسب فارسی در حوزه پزشکی به جای اصطلاحات انگلیسی در تولیدات علمی فارسی جامعه پزشکی، به افزایش قابلیت و ظرفیت زبان فارسی به عنوان زبان علم در حوزه پزشکی کمک می‌کند و در ضمن، به درک بهتر جامعه غیرپزشکی از مطالب پزشکی منتج می‌شود. اینجاست که نقش و اهمیت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه واژه‌گزینی آشکار می‌شود. پیروی فارسی‌زبانان - چه متخصص و چه غیرمتخصص - از واژه‌های مصوب فرهنگستان به یکسان‌سازی اصطلاحات منجر خواهد شد. باید توجه داشت واژه‌هایی که وارد زبان فارسی می‌شوند در دو دسته عمومی و تخصصی قرار می‌گیرند که فرهنگستان از طریق کار گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی به انتخاب برابرنهاده برای هر دو دسته از این واژه‌ها اقدام می‌کند. کار گروه‌های واژه‌گزینی فرهنگستان در دوران فعالیت خود، بیش از ۶۰ هزار واژه را در حوزه‌های مختلف علمی بررسی کرده و به تصویب شورای واژه‌گزینی فرهنگستان رسانده‌اند. با رسیدن واژه‌های مصوب هر حوزه به هزار عدد، فرهنگستان به انتشار هزارواژه آن حوزه اقدام می‌کند. با توجه به وجود انبوه واژه‌های انگلیسی در حوزه پزشکی و همچنین به دلیل انتشار فرهنگ هزارواژه پزشکی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا پژوهشگران جامعه پزشکی در تولیدات علمی خود اساساً به استفاده از مصوبات فرهنگستان که ماحصل هزاران ساعت مطالعه فکری و صرف هزینه مادی و معنوی بسیار است توجهی دارند؟ و واژه‌های مصوب این نهاد را در نوشته‌های علمی خود به کار می‌گیرند؟

در پژوهش حاضر، ابتدا به بررسی فرهنگ هزارواژه پزشکی (۱) پرداخته شده است و سپس نشریات برتر حوزه پزشکی، از لحاظ به کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان مندرج در این هزارواژه، محک زده شده‌اند تا مشخص شود که هر کدام از این نشریات تا چه حد به ایفای نقش و رسالت خود در حفظ و اعتلای زبان فارسی پایبند بوده است.

۳ پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به سه پرسش زیر انجام شده است:

- (الف) فرهنگ هزارواژه پزشکی (۱) فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چه موضوعات و زیرموضوعاتی تقسیم می‌شود؟ بیشترین واژه‌های مصوب به کدام حوزه تعلق دارد؟
- (ب) آیا نشریات حوزه پزشکی، واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را در تولیدات علمی خود به کار برده‌اند؟
- (ج) چه راهکارهایی را می‌توان برای تشویق نشریات حوزه پزشکی به استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارائه کرد؟

۴ تعریف عملیاتی مفاهیم^۱

واژه: «لفظی که از یک یا چند جزء معنادار ساخته شده و از لحاظ دستوری به یکی از مقوله‌های اسم، ضمیر، صفت، قید، فعل، عدد، حرف اضافه، حرف ربط یا صوت تعلق دارد. چنین لفظی از نظر ساختمان ممکن است بسیط یا مشتق یا مرکب یا مشتق-مرکب باشد» (اصول و ضوابط واژه‌گزینی ۱۳۸۸: ۹).

واژه‌های تخصصی: «واژه‌های تخصصی به اصطلاحات و واژه‌هایی اطلاق می‌شود که به مفاهیم یک حوزه از دانش بشری اشاره دارد. در واقع، واژه تخصصی یا اصطلاح لفظی است که در یکی از رشته‌های علمی، فنی، حرفه‌ای یا هنری دارای تعریفی مشخص است» (همان). در پژوهش حاضر، هر

۱. این تعریف، به‌جز اصطلاح «برابر نهاد»، دقیقاً از اصول و ضوابط واژه‌گزینی مصوب فرهنگستان اخذ شده است، چراکه برای ایجاد یکدستی و شفافیت در حوزه واژه‌گزینی، پیروی متخصصان تمام حوزه‌ها از مصوبات این نهاد ضروری است.

مدخل از فرهنگ هزارواژه پزشکی (۱) - فارغ از ساختار و معنا - یک واژه تخصصی در نظر گرفته می‌شود.

واژه‌گزینی: «واژه‌گزینی یا معادل‌گزینی فرایندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی، فنی، حرفه‌ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می‌شود» (همان).
برابرنهاده: «برابرنهاده یا معادل، به واژه یا اصطلاحی گفته می‌شود که در برابر اصطلاح بیگانه به کار گرفته شده است. این برابرنهاده ممکن است مصوب فرهنگستان یا انتخاب پژوهشگر باشد».

۵ پیشینه پژوهش

در مورد واژه‌گزینی و همچنین واژه‌های مصوب فرهنگستان مطالعات متعددی صورت گرفته که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنها، که پژوهشگر حاضر امکان دسترسی به آنها را داشته است، اشاره می‌شود.

مالم‌جار^۱ (۲۰۰۴) با اشاره به گسترش سریع واژه‌های حوزه‌های تخصصی و عمومی دانش، به علت گسترش سریع علوم، تدوین واژه‌نامه‌ها^۲ و گنجواژه‌ها^۳ و واژه‌نامه‌های فرهنگ‌های تخصصی^۴ را امری ضروری می‌داند. وی علت اصلی این ضرورت را فراوانی هم‌معنایی، چندمعنایی و هم‌نویسه‌ای بودن در سطح واژه‌های حوزه‌های تخصصی دانش می‌داند.

خویله^۵ (۲۰۱۰) به بررسی اصطلاحات حوزه فناوری اطلاعات و چالش‌های فرهنگی و واژگانی و زبان‌شناختی معادل‌گزینی برای آنها به زبان عربی پرداخت. وی با تهیه فهرستی از رایج‌ترین اصطلاحات مرتبط با رایانه و تهیه متنی انگلیسی براساس آنها، متن را به تعدادی مترجم برای ترجمه داد. متون ترجمه‌شده بررسی شد و یافته‌ها حاکی از آن بود که معادل‌های برگزیده دارای ابهام معنایی بودند و نمی‌توانستند مانند معادل‌های انگلیسی خود گویا باشند.

1. K. Malmkjaer
4. glossaries

2. dictionaries
5. A. Khuwaileh

3. thesauri

راجرز^۱ (۲۰۰۷) به بررسی معادل‌گزینی برای اصطلاحات حوزه پزشکی – مشخصاً اصطلاحات مربوط به داروها و روش‌های درمان اختلال خفگی در خواب – از زبان آلمانی به انگلیسی و فرانسه پرداخت. وی در ابتدا به اهمیت یکدستی اصطلاحات تخصصی و عدم وجود هم‌معنایی در حوزه‌های تخصصی اشاره می‌کند. این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، چراکه وجود معادل‌های زیاد در این حوزه به سوءتفاهم میان پزشک و بیمار منجر می‌شود و حتی‌الامکان اختلال در روند درمان نیز وجود دارد.

استولتز^۲ (۲۰۰۹) با جمع‌آوری مثال‌هایی از معادل‌گزینی در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی، نقش و اهمیت فرهنگ را در ترجمه و معادل‌گزینی نشان می‌دهد و می‌نویسد که ترجمه و معادل‌گزینی حتی در مورد اصطلاحات تخصصی و علمی نیز تحت تأثیر فرهنگ زبان مبدأ و مقصد است.

پاول^۳ (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول» به بررسی مصوبات این فرهنگستان و میزان موفقیت آن در گسترش و رواج واژه‌های پیشنهادی پرداخته است. وی از سه جنبهٔ صوری، ریشه‌شناختی و موفقیت در رسیدن به اهداف، به واژه‌های مصوب فرهنگستان اول نگاه کرده است. از لحاظ صوری، واژه‌های مصوب فرهنگستان به سه صورت ساده، مرکب یا وندی هستند و از لحاظ ریشه‌شناختی، یا قرضی هستند مانند «بمب» و «صندوق» که به ترتیب از انگلیسی و عربی قرض شده‌اند؛ یا فارسی سره هستند که از رواج افتاده بودند و فرهنگستان آنها را احیا کرده است، مانند «کالا» و «اژدها»؛ یا واژه‌هایی هستند که عیناً از طریق گرده‌برداری ساخته شده‌اند؛ مانند «زیردریایی» و «چاپخانه». نوع آخر این واژه‌ها کاملاً ابداعی و در مفهوم محدودتری به کار رفته‌اند، مانند «بیمه».

کافی (۱۳۷۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی» می‌نویسد که واژه‌گزینی مانند هندسه باید براساس اصول موضوعه استوار باشد. وی سپس چند اصل موضوعه را مطرح می‌کند، مانند ضرورت علم‌آموزی، زبان فارسی به‌عنوان زبان علم،

توانمندی زبان فارسی در واژه‌سازی و اطمینان به معیار شدن واژه برگزیده. وی ضوابطی را نیز برای واژه‌گزینی برمی‌شمارد، مانند گردش‌پذیری، ترجیح عناصر فارسی‌تبار، حفظ واژه‌های بیگانه‌تبار متداول گردش‌ناپذیر و چندین ضابطه دیگر.

نعمت‌زاده (۱۳۷۹) واژه‌گزینی را فرایندی شناختی و زبانی می‌داند که گونه‌ای از حل مسئله است. وی با توجه به چهار مرحله حل مسئله^۱ یعنی فهمیدن مسئله^۲، طرح نقشه^۳، اجرای نقشه^۴ و به عقب نگاه کردن^۵، واژه‌گزینی را تفکری می‌داند «که به سمت یافتن برابر نهاده برای واژه بیگانه جهت‌گیری می‌کند، برابر نهاده‌های متعدد را به دست می‌دهد و از میان برابر نهاده‌ها انتخاب می‌کند». نعمت‌زاده پنج استدلال عمده در واژه‌گزینی را استدلال سابقه، استدلال هم‌آوایی، استدلال هماهنگی، استدلال نگرش و استدلال گرایش می‌داند. او با ارج نهادن به تلاش‌های فرهنگستان، می‌نویسد که نمی‌توان به فعالیت فرهنگستان در حوزه واژه‌گزینی تنها به‌عنوان انتخاب یک واژه در برابر واژه بیگانه یا یک مفهوم جدید و نوظهور نگرست، بلکه واژه‌گزینی به فارسی‌زبانان کمک می‌کند که جهان و پدیده‌های آن را مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی کنند و درک بهتری از مفاهیم در پرتو واژه‌های فارسی داشته باشند (۱۳۸۲).

صفا مقدم (۱۳۷۴) به بررسی فرهنگستان دوم و عملکرد آن پرداخته است. به گفته وی این نهاد به دو برنامه مشغول بوده است، یکی واژه‌گزینی برای اصطلاحات بیگانه و دیگری مطالعه و بررسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. او اذعان می‌دارد که گاه فرهنگستان دوم نگرش‌های افراطی نیز به زبان فارسی داشته است و واژه‌های رایج آن را که ریشه عربی یا ترکی یا مغولی داشته‌اند بیگانه پنداشته و برای آنها دست به معادل‌سازی زده است.

شقایق (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی وضعیت وندها در زبان علم»، با بررسی چهار واژه‌نامه، می‌نویسد که در حوزه زبان علم، برخی از وندها و کلمات مرده فارسی در حال احیا شدن هستند. از نتایج دیگر آن است که واژه‌سازان، علاوه بر ساخت صوری کلمات، به ساخت نحوی و توالی کلمات و نقش آنها در زبان اصلی توجه می‌کنند و براساس آنها، به معادل‌سازی می‌پردازند.

1. problem-solving
4. carrying out the plan

2. understanding the problem
5. looking back

3. devising a plan

حسینی و عزیز (۱۳۸۹) با تأکید بر این نکته که واژه‌گزینی یکی از اهداف برنامه‌ریزی زبانی^۱ است، می‌نویسند که برش‌های زبان فارسی از مفاهیم و طبیعت و انسان در مقایسه با زبان‌های کشورهای پیشرفته کلی و درشت‌مقیاس است و از ظرافت‌های مفهومی برخوردار نیست.

منشی‌زاده و شریف (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان، به نقد اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان سوم و بررسی موانع پذیرش واژه‌های عمومی مصوب آن پرداخته‌اند. در این پژوهش، واژه‌های مصوب با توجه به ساختار واژگانی و روابط معنایی بررسی شده‌اند. این پژوهشگران اصول و ضوابط نه‌گانه واژه‌گزینی فرهنگستان را کافی ندانسته و معتقدند که برخی از این اصول به لحاظ علمی ناکارآمد و نارسا هستند و علاوه بر این، باید اصول و معیارهایی دیگر به آنها اضافه کرد تا امکان پذیرش واژه‌های مصوب توسط جامعه زبانی افزایش یابد. آنها اصول و معیارهایی تکمیلی را نیز پیشنهاد می‌دهند.

هاشمی میناباد و شمس (۱۳۸۶)، در بررسی الگوهای واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، به بررسی فرایندهای واژه‌سازی اشتقاق پسوندی، اضافه مقلوب، فک اضافه و واژ آمیزی^۲ می‌پردازند. براساس بررسی این پژوهشگران، اضافه مقلوب و اضافه مقلوب مرخم رایج‌ترین شیوه واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگستان است. آنها، پس از ارائه گزارش مبسوطی از وضعیت واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگستان، در مبحث نتیجه‌گیری‌ها، به کاربرد افراطی برخی از پسوندها مانند «ه» و «ک» اشاره کرده و آن را بی‌توجهی به پسوندهای دیگر فارسی می‌دانند و استفاده از برخی از پسوندها را در واژه‌سازی تشویق می‌کنند.

عباسی (۱۳۸۸)، در یادداشتی بر پژوهش هاشمی میناباد و شمس، پس از ارائه مبحثی کوتاه در باب شفافیت و زیابیی فرایندهای ساختواژی، با اذعان به اینکه رابطه زیابیی و شفافیت ساختواژی یک رابطه دوطرفه نیست، می‌نویسد که زیابیی واقعی زمانی رخ می‌دهد

که علاوه بر امکان ساخته شدن واژه‌های جدید، این واژه‌ها مورد استقبال گویشوران قرار گیرد. وی اضافه می‌کند که هر یک از فرایندهای ساختواژی، کاربردی ویژه دارد و برای بیان معنایی خاص به کار می‌رود و نباید انتظار داشت که همه فرایندها و پسوندها به یک میزان در واژه‌سازی به کار روند و اگر قرار باشد به یک اندازه از همه فرایندهای ساختواژی در واژه‌سازی بهره برده شود اصولاً دیگر زایایی معنای خود را از دست می‌دهد.

خدابخشی (۲۰۰۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با مقایسه ۲۰۰۰ واژه مصوب فرهنگستان اول و سوم به این نتیجه می‌رسد که فرهنگستان اول بیشتر از طریق فرایند اشتقاق به واژه‌سازی دست زده است، در حالی که فرهنگستان سوم بیشتر از فرایند ترکیب استفاده کرده است. فرهنگستان اول در واژه‌سازی به تشابه آوایی واژه فارسی به واژه بیگانه توجه داشته، در حالی که فرهنگستان سوم کمتر به این مسئله توجه داشته است و حال آنکه تشابه آوایی میان واژه فارسی و واژه بیگانه امکان پذیرش آن را برای فارسی‌زبانان بیشتر فراهم می‌کند. علاوه بر این، فرهنگستان سوم در مقایسه با فرهنگستان اول، از اشتقاق فعلی^۱ کمتری استفاده کرده و از قرض‌گیری واژگانی^۲ به میزان بیشتری بهره برده است. بنابراین، به طور خلاصه، کوتاه‌تر بودن و تشابه آوایی واژه‌های مصوب فرهنگستان اول به واژه‌های زبان مبدأ و استفاده بیشتر از فرایند اشتقاق، باعث موفقیت بیشتر فرهنگستان اول در مقایسه با فرهنگستان سوم است.

آثار فوق تعدادی از مطالعاتی هستند که درباره واژه‌گزینی و همچنین مصوبات فرهنگستان انجام شده‌اند و این مصوبات را به نقد کشیده‌اند. باید توجه داشت که مصوبات فرهنگستان — فارغ از مناسب یا نامناسب بودن — لازم‌الاجرا است و تخطی از آن جایز نیست. از این رو، پژوهش و بررسی میزان پیروی از مصوبات فرهنگستان ضروری می‌نماید. اما پژوهشگر حاضر نتوانست به مطالعاتی دست یابد که مشخصاً به وضعیت تبعیت و پیروی آثار مختلف از مصوبات فرهنگستان پرداخته باشد. به همین دلیل، می‌توان پژوهش حاضر را یکی از اولین مطالعات صورت گرفته در این زمینه دانست.

۶ نوع و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و به روش تحلیل محتوا انجام شده است. در این نوع پژوهش محقق تنها در صدد توصیف و ارائه گزارشی از چگونگی و وضعیت یک پدیده است. وی به دنبال آن نیست که با پژوهش خود تغییری در پدیده مورد نظر ایجاد کند و در پی آن است که با مطالعه خود به قوانین و قواعد موجود در دل پدیده مورد نظر دست یابد.

۷ جامعه پژوهش، اندازه و شیوه نمونه‌گیری

از آنجا که چهار حوزه کلی هزارواژه پزشکی (۱) را حوزه‌های دندان پزشکی، شنوایی شناسی، علوم سلامت و دامپزشکی تشکیل می‌دهد، با حذف حوزه دامپزشکی، شش نشریه برتر پزشکی ISC در سه حوزه دندان پزشکی، شنوایی شناسی و علوم سلامت انتخاب شد. حذف حوزه دامپزشکی به این علت بود که در حوزه‌های موضوعی دانش از نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری این حوزه حوزه‌ای مجزا است و از حوزه علوم پزشکی تفکیک شده است. نشریات انتخابی نشریاتی هستند که براساس مصوبات هشتمین جلسه شورای راهبری ISC دارای بیشترین ضریب تأثیر بوده‌اند. این نشریات به قرار زیرند:

جدول ۱. فهرست نشریات برتر ISC در حوزه پزشکی

ردیف	نام نشریه	ضریب تأثیر	نوع مجله
۱	حیات	۰/۲۸۸	علمی پژوهشی
۲	سالمند	۰/۲۶۸	علمی پژوهشی
۳	شنوایی شناسی	۰/۱۸	علمی پژوهشی
۴	فصلنامه دانش و تندرستی	۰/۰۹۳	علمی پژوهشی
۵	مجله دانشکده دندان پزشکی اصفهان	۰/۰۷۲	علمی پژوهشی
۶	سلامت کار ایران	۰/۰۷۱	علمی پژوهشی

از هر نشریه پنجاه مقاله از شماره‌های اخیر آن از طریق وبگاه نشریه انتخاب شد. به این ترتیب، جامعه پژوهش شامل سیصد مقاله حوزه پزشکی بوده است. به منظور انجام پژوهش، ابتدا واژه‌های تخصصی موجود در مقالات هر نشریه گردآوری و پس از حذف موارد تکراری، در نرم‌افزار اکسل وارد شد. تمام واژه‌های هزارواژه پزشکی (۱) نیز وارد نرم‌افزار اکسل شد. در مرحله بعد، واژه‌های استخراج شده از مقالات با واژه‌های هزارواژه پزشکی (۱) مطابقت داده شد تا میزان تبعیت نشریات از واژه‌های مصوب فرهنگستان مشخص شود.

۸ پاسخ به پرسش‌های پژوهش و نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی ۱۵۴۷ اصطلاح تخصصی استخراج شده از نشریات مورد بررسی و مطابقت دادن آنها با هزارواژه پزشکی (۱) به سه پرسش پژوهش پاسخ داده شد.

پرسش اول: واژه‌های هزارواژه پزشکی فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چه موضوعات و

زیرموضوعاتی تقسیم می‌شود؟ بیشترین واژه‌های مصوب به کدام حوزه تعلق دارد؟

فرهنگ هزارواژه پزشکی (۱) حاصل ۱۳ سال واژه‌سازی در حوزه علوم پزشکی است. این مجموعه واژه‌هایی را از حوزه‌های علوم پایه پزشکی، پزشکی، دندان پزشکی، شنوایی شناسی، علوم سلامت و دامپزشکی شامل می‌شود. البته پرواضح است که این تقسیم‌بندی چندان علمی نیست. اولاً آنکه این هزارواژه بخشی جداگانه تحت عنوان پزشکی را شامل می‌شود که واژه‌ای کاملاً عام بوده و برای مثال حوزه‌هایی مانند علوم پایه پزشکی، دندان پزشکی، شنوایی شناسی و علوم سلامت همگی می‌توانند تحت این عنوان قرار گیرند و قائل شدن به حوزه‌ای به نام پزشکی در کنار حوزه‌های مذکور تقسیم‌بندی چندان صحیحی نیست. البته در مقدمه هزارواژه پزشکی (۱) (هزارواژه پزشکی (۱): ۱۳۹۰) ذکر شده است که در ابتدا کارگروه واژه‌گزینی پزشکی به زیرشاخه‌های تخصصی تقسیم‌بندی نشده بود و تمام واژه‌سازی‌های این حوزه تحت عنوان پزشکی صورت می‌گرفت و بعدها کارگروه‌های تخصصی، مانند دندان پزشکی، شنوایی شناسی، تشکیل شد. لذا مصوبات آن دوران تحت عنوان پزشکی در بخشی در کنار دیگر حوزه‌ها قرار گرفته است. نکته دوم به حوزه دامپزشکی مربوط می‌شود.

ورود واژه‌های حوزه دامپزشکی به هزارواژه پزشکی با تقسیم‌بندی وزارت علوم از حوزه‌های دانش همخوانی ندارد، چراکه وزارت علوم حوزه‌های موضوعی دانش را به حوزه‌های علوم انسانی، علوم کشاورزی، فنی و مهندسی، علوم پزشکی، علوم دامپزشکی، علوم پایه، هنر و معماری و منابع طبیعی تقسیم‌بندی کرده است. علوم دامپزشکی یکی از حوزه‌های مستقل به‌شمار می‌رود، بنابراین، شاید بهتر باشد که حوزه دامپزشکی از هزارواژه پزشکی حذف شود. تعداد واژه‌های هزارواژه پزشکی (۱) در حوزه‌های مختلف پزشکی به شرح زیر است:

جدول ۲. وضعیت واژه‌های حوزه‌های مختلف در فرهنگ هزارواژه پزشکی (۱)

ردیف	زیربخش‌های فرهنگ هزارواژه پزشکی	تعداد واژگان	درصد
۱	دندان پزشکی	۳۸۲	۳۸/۲
۲	پزشکی	۲۲۶	۲۲/۶
۳	علوم پایه پزشکی	۱۴۵	۱۴/۵
۴	شنوایی شناسی	۱۴۳	۱۴/۳
۵	علوم سلامت	۷۵	۷/۵
۶	دامپزشکی	۲۹	۲/۹
	جمع کل	۱۰۰۰	۱۰۰

با مطالعه هزارواژه مشخص شد که واژه‌ها از لحاظ معنایی تنوع زیادی دارند و صرفاً در ارتباط با یک پدیده و مفهوم و به‌صورت خانواده واژگانی واژه‌سازی نشده‌اند. بنابراین، امکان خوشه‌بندی معنایی این واژه‌ها وجود نداشت. البته این واقعیت یک مزیت به دنبال دارد و آن اینکه پژوهشگران غالباً در تولیدات علمی خود حتماً با واژه‌هایی روبه‌رو می‌شوند که نیاز به برابرنهاده فارسی آنها دارند و می‌توانند از این برابرنهاده‌ها در تولیدات علمی خود استفاده کنند. باید توجه داشت که این هزارواژه در برابر ده‌هزار واژه حوزه پزشکی مقدار ناچیزی است و همین تنوع معنایی و مفهومی واژه‌ها امکان فارسی‌سازی اصطلاحات تخصصی این حوزه را در زیرشاخه‌های مختلف فراهم کرده است.

در مورد واژه‌های هزارواژه پزشکی (۱) نکاتی اندک قابل ذکر است که البته تأکید می‌شود در جهت تکذیب مصوبات فرهنگستان یا عیب‌جویی از آنها نیست. بی‌شک واژه‌گزینی امری خطیر است و نمی‌توان زحمات و تلاش‌های طاقت‌فرسای کارگروه‌های واژه‌گزینی را در راه غنا و اعتلای زبان فارسی نادیده گرفت. نکات موردنظر به قرار زیر است:

(۱) وجود برابر‌نهاد‌های مشابه در برابر اصطلاحات متفاوت

تعداد اندکی از برابر‌نهاد‌های این هزارواژه آن قدر از لحاظ آوایی و معنایی مشابهت دارند که عملاً تمایز میان آنها برای پژوهشگر فارسی‌زبان دشوار است و همین امر خود باعث تشبث در کاربرد آنها می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به دو اصطلاح «نابهنجار» و «ناهنجار» اشاره کرد که به ترتیب، در برابر دو اصطلاح abnormal و anomalous به کار رفته‌اند که بعید به نظر می‌رسد فارسی‌زبانان بتوانند به راحتی تفکیک و تمایزی میان آنها قائل شوند.

(۲) استفاده از اصطلاح ادبی در برابر اصطلاح علمی

از این مورد می‌توان به اصطلاح «می‌بارگی» اشاره کرد که در برابر alcoholism به کار رفته است. پرواضح است که «می» اصطلاحی ادبی است و بیشتر در حوزه شعر و ادب کاربرد دارد. به نظر می‌رسد که بار معنایی این واژه مناسب متون علمی نیست و برای مثال شاید اصطلاح «اعتیاد به الکل» مناسب‌تر باشد.

(۳) استفاده از اصطلاح بیگانه در برابر اصطلاح رایج فارسی

از این مورد می‌توان به اصطلاح «آلرژی» اشاره کرد که در برابر allergy انتخاب شده است. البته وام‌گیری واژگانی یکی از راه‌های افزایش واژه‌های حوزه‌های مختلف دانش است و نه تنها هیچ ایرادی ندارد، بلکه بر غنای واژه‌های حوزه نیز می‌افزاید. اما جالب آن است که در اغلب متون علمی حوزه پزشکی و حتی بین عموم، از واژه «حساسیت» نیز در برابر «آلرژی» استفاده می‌شود و از بسامد بالایی نیز برخوردار است. بنابراین، شاید بهتر بود که از این واژه به‌عنوان برابر‌نهاد فارسی استفاده می‌شد.

۴) استفاده از واژه‌های هم‌معنا برای اصطلاحات متفاوت

در مورد اخیر می‌توان به دو اصطلاح «علامت» و «نشانگان» اشاره کرد که به ترتیب در برابر دو اصطلاح symptom و syndrome به کار رفته‌اند. با مطالعه نشریات پزشکی مشخص شد که بسیاری از پژوهشگران از اصطلاح «نشانه» برای اشاره به symptom استفاده می‌کنند و بنابراین، باعث تداخل معنایی این دو اصطلاح می‌شود. شاید بهتر باشد در واژه‌گزینی به احتمال وقوع چنین تداخل‌هایی توجه شود.

۵) استفاده از برابر نهاده با بار منفی

از اصطلاح «زوال عقل» می‌توان به‌عنوان مثالی برای مورد اخیر نام برد. این اصطلاح در برابر اصطلاح dementia به کار رفته است. این بیماری مزمن که ناشی از آسیب مغز و قوای شناختی است، بیشتر در افراد سالخورده مشاهده می‌شود. نکته مرتبط با این موضوع آن است که «عقل» عنصر مهمی در همه فرهنگ‌ها و البته فرهنگ ایرانی است و با خرد و دانایی و با مفاهیمی چون عقلانیت در ارتباط است. بنابراین، اصطلاحی مانند «زوال عقل» دارای بار معنایی منفی است که در dementia وجود ندارد و به‌نظر می‌رسد که برای حفظ احترام بیماران بهتر است از این واژه در مورد این بیماری پرهیز شود.

۶) عدم وجود توضیحات ضروری

در این هزارواژه، در برابر هیچ‌کدام از واژه‌ها توضیحی ارائه نشده است، در حالی که به‌نظر می‌رسد ارائه توضیح در موارد ضروری بسیار راهگشا یا حتی مشوق افراد به استفاده از برابر نهاده‌های فرهنگستان باشد. برای مثال، شاید توضیحی در مورد عدم استفاده از واژه «حساسیت» به جای allergy یا چرایی استفاده از «بی‌دشتانی» در برابر amenorrhea و توضیح درباره معنا و تلفظ واژه‌های نادر، به درک بهتر برابر نهاده‌های مصوب و در نتیجه، کاربرد بیشتر آن منجر شود.

پرسش دوم: آیا نشریات حوزه پزشکی واژه‌های مصوب فرهنگستان را در تولیدات علمی

خود به کار برده‌اند؟

قبل از پاسخ به این پرسش لازم است تصویری روشن از وضعیت نشریات مورد بررسی ارائه شود. با بررسی نشریات مورد مطالعه در پژوهش حاضر، وضعیت کلی نشریات در خصوص اصطلاحات به کاررفته به شرح جدول زیر است:

جدول ۳. وضعیت اصطلاحات تخصصی نشریات حوزه پزشکی

ردیف	عنوان مجله	تعداد اصطلاحات	نسبت اصطلاحات فارسی به انگلیسی
۱	مجله دانشکده دندان پزشکی اصفهان	۳۵۸	۲/۲۱
۲	سالمند	۳۱۰	۲/۷۵
۳	فصلنامه دانش و تندرستی	۲۵۱	۳/۰۳
۴	شنوایی شناسی	۲۳۱	۴
۵	حیات	۲۱۶	۶/۳۱
۶	سلامت کار ایران	۱۸۱	۳/۳۲
	تعداد کل اصطلاحات تخصصی	۱۵۴۷	

در مجموع، با مطالعه مقالات نشریات مورد بررسی و حذف موارد تکراری، ۱۵۴۷ اصطلاح تخصصی برای مطالعه گردآوری شد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعداد اصطلاحات مورد بررسی در مجله دندان پزشکی، سالمند، فصلنامه دانش و تندرستی، شنوایی شناسی، حیات و بالاخره سلامت کار ایران به ترتیب، ۳۵۸، ۳۱۰، ۲۵۱، ۲۳۱، ۲۱۶ و ۱۸۱ اصطلاح است. در ضمن، بیشترین اصطلاحات انگلیسی به کاررفته در این نشریات به ترتیب به نشریه دندان پزشکی، سالمند، دانش و تندرستی، سلامت کار ایران، شنوایی شناسی و حیات تعلق دارد. نشریه دندان پزشکی با نسبت یک واژه انگلیسی در برابر ۲/۲۱ اصطلاح از بیشترین اصطلاحات انگلیسی و نشریه حیات با نسبت یک واژه انگلیسی در برابر ۶/۳۱ کمترین اصطلاح انگلیسی برخوردار است.

پیش از بررسی میزان پایبندی نشریات در به کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان، لازم است به نحوه کاربرد اصطلاحات تخصصی در این نشریات، کمیت و کیفیت آنها و همچنین توضیحاتی ضروری در مورد آنها پرداخت.

الف) نشریه حیات

با مطالعه مقالات این نشریه، جمعاً ۲۱۶ اصطلاح علمی جمع‌آوری شد. در ضمن، در برابر ۶/۳۱ واژه تخصصی این نشریه یک واژه آن به زبان انگلیسی است. در مورد اصطلاحات علمی این نشریه نکاتی حائز اهمیت است که در زیر به آن اشاره می‌شود:

۱) استفاده از یک برابرنهادۀ طولانی در برابر یک سرواژه

اصطلاح «از دست دادن و پرکردگی دندان» اصطلاحی است که در برابر اصطلاح DMFT انتخاب شده است. در حوزه‌های مختلف علوم اصطلاحات علمی فراوانی با استفاده از سرواژه‌سازی ساخته شده است که بهتر است برابرنهاده‌های آنها نیز تا حد ممکن از طریق سرواژه‌سازی یا انتخاب اصطلاحی کوتاه‌تر ساخته شود.

۲) استفاده از مشتقات مختلف یک اصطلاح انگلیسی برای اشاره به یک مفهوم ثابت

دو واژه «اسپاسم» و «اسپاسیته» اصطلاحاتی هستند که در یک معنا و برای اشاره به یک مفهوم به کار رفته‌اند.

۳) استفاده از واژه کامل انگلیسی برای اشاره به سرواژه‌های رایج

در حوزه پزشکی، همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، بسیاری از اصطلاحات از طریق سرواژه‌سازی ساخته می‌شوند و برخی از آنها حتی برای افراد غیرمتخصص نیز قابل فهم است. در این نشریه، در برخی از موارد، در برابر این سرواژه‌های رایج، بخشی از اصطلاح کامل ترجمه شده و به کار رفته است، مانند «اسکن توموگرافی رایانه‌ای» به جای «سی‌تی اسکن» یا «تصویربرداری رزونانس مغزی» برای «ام.آر.آی». از آنجاکه این برابرنهاده‌ها کاملاً فارسی نیستند و از طرفی سرواژه یا عبارت کوتاه شده همه‌فهم است، بهتر است که صورت‌های کوتاه‌شده به کار گرفته شوند.

۴) استفاده از یک واژه انگلیسی در کنار واژه‌های هم‌طبقه که دارای برابرنهادۀ فارسی

هستند

با استفاده از یک واژه انگلیسی ترجمه‌پذیر در کنار واژه‌های هم‌طبقه فارسی، نوعی عدم یکدستی

ایجاد می‌شود که مطلوب نیست و تا حد ممکن باید از آن پرهیز شود. برای مثال، اصطلاح «افسردگی ماژور» در کنار «افسردگی پایدار»، «افسردگی جزئی»، «افسردگی متوسط» یک نوع عدم هماهنگی ایجاد می‌کند که با ترجمه آن برای مثال با اصطلاح «افسردگی شدید» امکان ایجاد تناسب بین واژه‌های هم‌طبقه فراهم می‌شود.

۵) استفاده از هم‌معنایی فراوان در ترجمه اجزای اصطلاح

برای مثال، در این نشریه، از دو اصطلاح «الگوی اعتقاد بهداشتی» و «الگوی باور بهداشتی» هم‌زمان استفاده شده است. «اعتقاد» و «باور» هر دو هم‌معنا هستند. در این گونه موارد لازم است که تنها یک واژه انتخاب شود و در تمام متن همان به کار رود. این در حالی است که از «مدل اعتقاد بهداشتی» نیز استفاده شده است. یعنی در این مورد نیز هم‌معنایی واژه‌های «الگو» و «مدل» باعث تعدد اصطلاحات شده است.

۶) استفاده از اصطلاح انگلیسی در برابر برابرهاده‌های رایج فارسی

برای نمونه، می‌توان از اصطلاح «زبان‌پریشی» نام برد که اصطلاحی رایج در برابر aphasia است و تقریباً غالب جامعه علمی با آن آشنا هستند. باین حال، در این نشریه از واژه «آفازی» استفاده شده است. مثال دیگر «دوره» است که به جای آن از «سیکل» استفاده شده است.

۷) استفاده هم‌زمان از تلفظ‌های متفاوت یک اصطلاح

برای مثال، از دو واژه «پارزی» و «پارستزی» در یک معنا و برای اشاره به یک اصطلاح استفاده شده است.

۸) استفاده هم‌زمان از اصطلاح عام و علمی

در این مورد می‌توان به اصطلاح «بارداری» اشاره کرد که هم‌زمان از اصطلاح عامیانه‌تر آن، «حاملگی» نیز استفاده شده است.

۹) استفاده از وندهای اشتقاقی انگلیسی درحالی‌که امکان استفاده از وندهای زبانی فارسی وجود دارد.

برای نمونه، اصطلاح «دیسمنوره اسپاسمودیک» که بهتر بود به جای آن از «دیسمنوره اسپاسمی» استفاده می‌شد.

۱۰) استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و فارسی

برای مثال، در این نشریه از دو اصطلاح «قاعدگی دردناک» و «دیسمنوره» هم‌زمان استفاده شده است.

ب) فصلنامه دانش و تندرستی

با مطالعه این نشریه ۲۵۱ اصطلاح برای مطالعه انتخاب شد. در برابر ۳/۰۳ واژه علمی در این نشریه یکی از آنها قرضی و به زبان انگلیسی است. در مورد اصطلاحات این نشریه نیز نکاتی به چشم می‌خورد که به قرار زیر است:

۱) استفاده از واژه انگلیسی و سایر مشتقات آن

وام‌گیری اصطلاح انگلیسی به همراه سایر مشتقات آن به دستگاه صرفی زبان فارسی صدمه وارد می‌کند و باید از آن اجتناب شود. در این نشریه، برای مثال، از اصطلاح «اکسیداتیو» و «اکسیداسیون» استفاده شده است. در شرایطی که چاره‌ای جز وام‌گیری وجود نداشته باشد، باید ریشه یا یک واژه را وام گرفت و تصریف آن را با وندهای فارسی انجام داد.

۲) استفاده از نگارش‌های مختلف واژه

برای مثال، در این نشریه، از صورت‌های مختلف نگارشی «آندوسکپی» و «آندوسکوپ» استفاده شده است. در این‌گونه موارد لازم است برای حفظ یکدستی متن تنها یک صورت به کار رود.

۳) عدم استفاده از وند فارسی

در این نشریه، در برخی از موارد مشاهده شد که به جای استفاده از وندهای مناسب فارسی از

وندهای انگلیسی استفاده شده است. برای مثال، به جای «بافت توموری» از «بافت تومورال» و به جای «آنزیمی» از «آنزیماتیک» استفاده شده است.

۴) استفاده هم‌زمان از واژه انگلیسی و معادل فارسی آن

برای مثال، در این نشریه، هم‌زمان از دو اصطلاح «پدال» و «رکاب» استفاده شده است که مطلوب نیست و باعث تشبث معنایی و عدم شفافیت می‌شود.

۵) استفاده از وندهای اشتقاقی غیر ضروری

در این مورد می‌توان به مثال «آزمایشگاه فیزیولوژی ورزشی» اشاره کرد که باید به جای آن از «آزمایشگاه فیزیولوژی ورزش» استفاده می‌شد تا با زبان فارسی همخوانی پیدا کند. برابرنهاده قبلی تحت تأثیر گرده‌برداری افراطی انتخاب شده است.

۶) استفاده از برابرنهاده‌های مختلف فارسی برای اشاره به یک اصطلاح یا مفهوم ثابت

دو اصطلاح «تمرین استقامتی منظم» و «تمرین مقاومتی منظم» مترادف هستند و در این موارد برای ایجاد یکدستی لازم است تنها از یکی از آنها استفاده شود. استفاده از دو اصطلاح این ذهنیت را در مخاطب ایجاد می‌کند که به دو مفهوم متفاوت تعلق دارند، در حالی که در حقیقت هر دو برابرنهاده در برابر یک اصطلاح بیگانه هستند.

پ) مجله دانشکده دندان پزشکی اصفهان

از نشریه دندان پزشکی ۳۵۸ اصطلاح علمی استخراج شد. حدوداً در برابر ۲/۲۱ واژه علمی این نشریه یکی از آنها انگلیسی است. این امر نشان‌دهنده ضعف زبان فارسی در حوزه اصطلاحات علمی دندان پزشکی است. در مورد اصطلاحات این نشریه نیز نکاتی قابل ذکر است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱) استفاده از وندهای انگلیسی به جای وندهای مناسب فارسی

در این نشریه، به‌رغم وجود وندهای مناسب فارسی، از صورت صرفی انگلیسی برای بیان

مفهوم موردنظر استفاده شده است. برای مثال، در اصطلاح «اثر باکتریسیدال» از *al* انگلیسی استفاده شده است، در حالی که به راحتی این امکان وجود داشت که با استفاده از *ond* صفت‌ساز فارسی اصطلاح موردنظر به صورت «اثر باکتریسیدی» تغییر کند.

۲) استفاده افراطی از وندافزایی

از آنجا که در حوزه دندان پزشکی از اصطلاحات انگلیسی بسیاری استفاده شده است، در برخی مواقع پژوهشگران از وندهای اشتقاقی فارسی به صورت افراطی برای اصطلاح‌سازی استفاده می‌کنند. برای مثال، در اصطلاح «اثر فارماکولوژیکی»، «فارمولوژیک» خود صفت بوده و نیازی نیست که از *ond* صفت‌ساز فارسی «ی» استفاده شود.

۳) استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و صورت فارسی شده آن

در این نشریه هم‌زمان از دو اصطلاح «استرلیزه کردن» و «استریلیزاسیون» استفاده شده است. باید توجه داشت که استفاده از اصطلاح اول مطلوب‌تر است، چرا که به رغم دوبرخشی بودن اصطلاح و انگلیسی باقی ماندن بخش اول آن، به فارسی‌تر شدن اصطلاحات علمی کمک می‌کند و درعین حال، مانع گسترش وندهای انگلیسی در دستگاه صرفی زبان فارسی می‌شود.

۴) استفاده از اصطلاح انگلیسی و برابر نهاده فارسی آن

برای مثال، می‌توان به اصطلاح «استئوکاندکتیوی» اشاره کرد که بلافاصله بعد از آن در داخل دو کمان برابر نهاده فارسی یعنی اصطلاح «استخوان‌سازی» ذکر شده است. با توجه به علمی بودن اصطلاح «استخوان‌سازی» بهتر بود که از ابتدا همین اصطلاح مورد استفاده قرار می‌گرفت و حداکثر معادل انگلیسی در پاورقی ذکر می‌شد.

۵) استفاده از اصطلاح انگلیسی به رغم رواج برابر نهاده فارسی

برای مثال، در این نشریه از اصطلاح «افراد دیابتیک» استفاده شده است، حال آنکه اصطلاح «افراد دیابتی» کاملاً رایج است.

۶) استفاده از اصطلاحات انگلیسی با نگارش و خط لاتین و بدون آوانگاری

برای نمونه، می‌توان به اصطلاحات crown down و minimum bacterial concentration اشاره کرد که دقیقاً به همین صورت و با خط لاتین در متن برخی از مقالات فارسی به کار رفته است.

ت) نشریه سالمند

با مطالعه این نشریه ۳۱۰ اصطلاح علمی گردآوری شد که حدوداً در برابر ۲/۷۵ اصطلاح، یک واژه وام‌گیری از زبان انگلیسی است. با مطالعه اصطلاحات این نشریه نکات زیر قابل طرح است:

۱) استفاده از وندهای اشتقاقی انگلیسی به جای وندهای فارسی

برای مثال، در این نشریه، از اصطلاح «التهاب سیستیمیک» استفاده شده است، در حالی که با استفاده از اصطلاح «التهاب سیستمی» می‌توان مطابقت آن را با زبان فارسی افزایش داد.

۲) استفاده هم‌زمان از صورت‌های نگارشی مختلف اصطلاح

برای مثال، در مورد واژه posture، هم‌زمان از دو صورت «پاسچر» و «پوسچر» استفاده شده است که می‌توان تنها با استفاده از یک صورت ثابت یکدستی و انسجام متن را افزایش داد. البته این اصطلاح دارای برابرنهادهای فارسی است که استفاده از آن مرجح و ضروری است.

۳) استفاده از مشتقات متعدد اصطلاح انگلیسی

برای مثال، در مقالات این نشریه، هم از اصطلاح «دپرشن» و هم «دپرسیو» استفاده شده است که اصطلاح اول اسم و اصطلاح دوم صفت است و هر دو برابرنهادهای فارسی دارند.

۴) استفاده از اسامی خاص علمی با نگارش انگلیسی و بدون آوانگاری

در برخی از مقالات این نشریه دیده می‌شود که اسامی برخی از داروها یا ژن‌ها با همان نگارش انگلیسی به کار می‌رود، مانند «ژن APOE» و «ژن TNF-a».

۵) حشو

حشو به موردی اطلاق می‌شود که در آن یک واحد زبانی بدون هیچ ضرورتی در یک ساخت آورده می‌شود، در حالی که همان مفهوم یا کارکرد را عنصری دیگر بیان کرده است. حشو با اصل اقتصاد زبان در تعارض است. اصطلاح «آتروفی عضلانی توده عضلانی» را می‌توان به‌عنوان نمونه ذکر کرد. در اینجا واژه «عضلانی» اول زائد است، چراکه واژه «عضلانی» دوم مفهوم را بیان می‌کند.

۶) استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و برابر نهاده فارسی

در این نشریه، در برخی از موارد، هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و برابر نهاده فارسی استفاده شده است که ضرورت دارد برای یکسان‌سازی، فقط برابر نهاده فارسی به کار رود. اصطلاح «پدومتر» و برابر نهاده «گام‌شمار» مثالی از مورد اخیر به‌شمار می‌رود.

ث) نشریه سلامت کار ایران

از این نشریه ۱۸۱ اصطلاح علمی برای مطالعه استخراج شد. در برابر ۳/۳۲ اصطلاح، یک اصطلاح از زبان انگلیسی وارد این حوزه شده است. در مورد اصطلاحات نشریه سلامت کار ایران توجه به نکات زیر ضروری است:

۱) استفاده از برابر نهاده‌های مختلف در برابر یک اصطلاح علمی

در این مورد می‌توان به سه اصطلاح «استرس حرفه‌ای»، «استرس شغلی» و «استرس کاری» اشاره کرد که از هر سه برای اشاره به یک مفهوم یا اصطلاح علمی استفاده شده است. این امر مطلوب نیست و باید در برابر هر اصطلاح علمی تنها یک برابر نهاده انتخاب شود.

۲) استفاده بی‌رویه از مشتقات مختلف یک اصطلاح انگلیسی

در این نشریه هم از اصطلاح «استرس» و هم اصطلاح «استرسور» استفاده شده است. در حالی که به جای «استرسور» امکان استفاده از اصطلاح «استرس‌زا» وجود دارد. با استفاده از این گونه واژه‌سازی می‌توان امکان وندافزایی فارسی در حوزه علوم را افزایش داد.

۳) اشتقاق افراطی

اصطلاح «تنش فیزیولوژیکی» نمونه‌ای است که باید به صورت «تنش فیزیولوژیک» به کار رود. همین امر در مورد اصطلاح «مداخله ارگونومیک» نیز صدق می‌کند که باید به صورت «مداخله ارگونومیک» به کار رود.

۴) استفاده از ترتیب‌های واژگانی مختلف برای اشاره به یک اصطلاح

در این مورد می‌توان به اصطلاح «حالت بدنی صحیح» اشاره کرد که هم‌زمان با اصطلاح «حالت صحیح بدنی» نیز به کار رفته است. این در حالی است که علاوه بر این دو اصطلاح، از اصطلاح «پوسچر مناسب» نیز استفاده شده است. این امر بر تشّت واژگانی حوزه علمی افزوده و بر ذخیره و بازیابی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی نیز تأثیر می‌گذارد.

۵) استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و برابر نهاده فارسی

به دو اصطلاح «سرطان خون» و «لوسمی» می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از این مورد اشاره کرد. علاوه بر اینکه، با وجود برابر نهاده فارسی، استفاده از اصطلاح زبان اصلی مطلوب نیست. استفاده هم‌زمان از دو اصطلاح فارسی و انگلیسی تنها به عدم یکدستی و دشواری درک متن منجر می‌شود که باید از آن اجتناب شود.

ج) نشریه شنوایی شناسی

از این نشریه ۲۳۱ اصطلاح برای مطالعه استخراج شد. در برابر ۴ اصطلاح علمی این نشریه یک اصطلاح انگلیسی است. در مورد این نشریه نکات زیر قابل توجه است:

۱) استفاده از اصطلاح انگلیسی با نگارش انگلیسی و بدون آوانگاری

اصطلاح «تونال MLD» یکی از این موارد است که بخشی از آن با نگارش انگلیسی به کار رفته است. در این موارد، در صورت نبود برابر نهاده فارسی، بهتر است که از آوانگاری استفاده شود.

۲) استفاده از اصطلاح انگلیسی غیررایج به جای اصطلاح انگلیسی رایج تر

برخی از اصطلاحات علمی انگلیسی تاحدی در زبان فارسی رواج یافته‌اند که حتی افراد غیرمتخصص نیز با آنها آشنا هستند. از این دست اصطلاحات می‌توان به اصطلاح «اسپاسم» اشاره کرد. اگرچه این اصطلاح دارای برابر نهاده «تنجش» و مصوب فرهنگستان است، اصطلاح انگلیسی آن نیز رایج است. واضح است که استفاده از برابر نهاده فارسی ترجیح دارد و ضروری است، اما، در غیر این صورت، اولویت با همان اصطلاح رایج انگلیسی است. برای مثال می‌توان به اصطلاح «اسپاسیتیسیته عضلانی» اشاره کرد که در معنای «اسپاسم عضلانی» به کار رفته است.

۳) ترجمه نادر بخشی از اصطلاح انگلیسی

«ام. اس.» یکی از این اصطلاحات است که در میان متخصصان به صورت «مالتیپل اسکروزیس» نیز به کار می‌رود. بنابراین، استفاده از اصطلاح «اسکلروزیس متعدد» نه توجیه علمی و نه توجیه زبانی دارد و کاملاً ناآشنا و غیررایج است.

۴) استفاده از مشتق‌های مختلف اصطلاح انگلیسی

در اصطلاحی مانند «پاسخ‌های پوسچرال» از یکی از واژه‌های مشتق اصطلاح «پوسچر» یعنی «پوسچرال» استفاده شده است که لازم است که از آن پرهیز شود.

۵) اشتقاق افراطی

استفاده از اصطلاح «تغییرات آناتومیکی» به جای «تغییرات آناتومیک» از جمله مواردی است که در آن وندافزایی افراطی صورت گرفته است.

۶) استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و برابر نهاده فارسی

استفاده از دو اصطلاح «یکنواخت» و «مونوتن» مثالی از این مورد به‌شمار می‌رود که قاعدتاً

برای ایجاد یکدستی و جلوگیری از تشتت باید از یکی از آنها استفاده کرد. البته واضح است که برابر نهاده فارسی حق تقدم دارد.

با بررسی واژه‌های تخصصی نشریات مورد مطالعه مشخص است که پژوهشگران حوزه پزشکی به استفاده از مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی توجهی نداشته‌اند و اغلب از همان اصطلاح انگلیسی به صورت وام‌واژه استفاده کرده‌اند. البته این پژوهشگران در نوشته‌های خود از واژه‌های تخصصی فارسی نیز بهره برده‌اند که البته از مصوبات فرهنگستان نیستند، بلکه به این علت به کار رفته‌اند که اصطلاح فارسی آنها - فارغ از خاستگاهشان - در حوزه پزشکی رایج است، مانند نام اعضای بدن و بیماری‌های رایج؛ یا آنکه معادل‌های فارسی انتخاب شخصی پژوهشگران است و به تبعیت از مصوبات فرهنگستان به کار نرفته‌اند. با توجه به این واقعیت که اولین هزارواژه مصوب فرهنگستان در حوزه پزشکی، تنها بخش بسیار اندکی از ده‌هزار واژه این حوزه را شامل می‌شود، طبیعی است که به علت تنوع نوشته‌های علمی و تعدد موضوعات مختلف در حوزه پزشکی، این هزارواژه پاسخ‌گوی ده‌هزار واژه پزشکی نیست. با وجود این، با مطالعه نشریات مورد بررسی و همچنین هزارواژه پزشکی (۱) ۲۵۹ واژه از مصوبات فرهنگستان شناسایی شد که در نشریات مورد مطالعه به کار رفته‌اند. البته متأسفانه در اغلب آنها اصطلاح مورد نظر همان اصطلاح انگلیسی است که از طریق وام‌گیری واژگانی و تنها با اندکی تغییر آوایی به صورت آوانگاری شده در متون فارسی به کار رفته‌اند و توجهی به برابر نهاده‌های فرهنگستان نشده است. در مورد این اصطلاحات چند نکته حائز اهمیت است که در ادامه ارائه می‌شوند:

- استفاده از اصطلاح انگلیسی به رغم وجود برابر نهاده فارسی

غالب نشریات مورد بررسی، بدون توجه به وجود برابر نهاده‌های مناسب فارسی در برابر اصطلاحات انگلیسی و همچنین بدون توجه به لزوم رعایت مصوبات فرهنگستان، همچنان بر استفاده از اصطلاح انگلیسی اصرار دارند. از این واژه‌ها می‌توان به عنوان نمونه به واژه‌های «آنژیوگرافی»، «فیزیوتراپی» و «اکوکاردیوگرافی» اشاره کرد که در برابر آنها به ترتیب،

«رگ‌نگاری»، «فیزیک‌درمانی» و «پژواک‌نگاری قلب» تصویب شده است و پژوهشگران بدون توجه به این مصوبات از وام‌واژه‌های مرتبط استفاده می‌کنند.

– استفاده از صورت‌های دیگر واژه به جای صورت‌های مصوب

در مورد اخیر می‌توان به واژه‌های «بهره هوشی» و «نشانه» اشاره کرد که پژوهشگران از آنها به جای واژه‌های مصوب «هوش‌بهر» و «نشانگان» استفاده کرده‌اند. مواردی از این دست نشان‌دهنده آن است که غالب پژوهشگران احتمالاً از مصوبات فرهنگستان آگاهی ندارند و به‌طور تصادفی معادل به کاررفته به صورت‌های مصوب فرهنگستان نزدیک است.

– استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و برابر‌نهاد مصوب

در برخی از نشریات مشاهده شد که هم‌زمان از واژه مصوب و معادل انگلیسی آن استفاده شده است. در این مورد می‌توان به اصطلاح «سلول» و برابر‌نهاد «یاخته» اشاره کرد. این امر، علاوه بر ایجاد تشبیه معنایی و عدم یکدستی در نشریات، نشان‌دهنده آن است که نشریه نیز توجهی به موضوع مهمی مانند رعایت مصوبات فرهنگستان نداشته است و تنها علاقه شخصی برخی از نویسندگان مقالات به واژه‌گزینی در زبان فارسی بوده است که به استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان – هر چند اندک – منجر شده است. در پاسخ به پرسش پژوهش، با توجه به وجود تعداد تنها ۲۵۹ واژه مشترک بین واژه‌های هزارواژه پزشکی (۱) و نشریات موردبررسی، و همچنین با توجه به استفاده اغلب نشریات از اصطلاح بیگانه به جای برابر‌نهاد‌های مصوب فرهنگستان، نمی‌توان این نشریات را از لحاظ پایبندی به واژه‌های مصوب فرهنگستان رتبه‌بندی کرد و به‌نظر می‌رسد که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در نشریات این حوزه به مصوبات فرهنگستان توجه نمی‌شود و با توجه به یافته‌های مرتبط با پرسش دوم پژوهش حاضر، تمایل غالب پژوهشگران این حوزه استفاده از اصطلاحات غیرفارسی است. این امر متأسفانه شاهدی بر عدم موفقیت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ترویج مصوبات این نهاد در جامعه پزشکی کشور است.

پرسش سوم: چه راهکارهایی را می‌توان برای تشویق نشریات حوزه پزشکی به استفاده

از واژه‌های مصوب فرهنگستان ارائه کرد؟

در زیر به برخی از راهکارهای تشویقی برای ترغیب پژوهشگران و متخصصان حوزه پزشکی در به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان اشاره می‌شود:

- ۱) تخصیص چند واحد درسی دانشگاهی به حوزه زبان فارسی، واژه‌گزینی و آشنایی با مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دوره‌های آموزشی و پژوهشی؛
- ۲) اطلاع‌رسانی در خصوص آخرین واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی از طریق نشریات، وبگاه‌های مرتبط با حوزه پزشکی، رسانه‌ها و ابزارهای ممکن دیگر؛
- ۳) تدوین مقرراتی از سوی نشریات حوزه پزشکی در خصوص الزام پژوهشگران این حوزه به استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مقالات خود؛
- ۴) به‌کارگیری ویراستاران حرفه‌ای آشنا به مصوبات فرهنگستان در ویرایش مقالات، کتاب‌ها و تولیدات علمی پژوهشگران حوزه پزشکی؛
- ۵) تهیه نرم‌افزارهای ویرایشگر متن مجهز به مصوبات فرهنگستان یا ارتقای نرم‌افزارهای موجود و افزایش گزینه‌هایی برای پیشنهاد برابرنهاده‌های مصوب فرهنگستان در هنگام حروف‌نگاری اصطلاحات تخصصی بیگانه؛
- ۶) شناسایی «پایبندی به مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی» به‌عنوان معیاری در تعیین اعتبار نشریات از سوی کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

منابع

- اصول و ضوابط واژه‌گزینی، همراه با شرح و توضیحات (۱۳۸۸)، ویرایش سوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- پاول، لودویک (۱۳۸۳)، «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول» نامه فرهنگستان، دوره ۷، ش ۱، مهر ۱۳۸۳، صص ۲۳۹-۲۴۳.
- حسینی، امیر و محمود عزیزی (۱۳۸۹)، «واژه‌سازی، وجه فراموش شده در ترجمه اصطلاحات علمی و فنی»، مطالعات ترجمه، ش هشتم، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۷-۴۲.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۸)، «بررسی وضعیت وندها در زبان علم»، مجموعه مقالات همایش یک‌صد و پنجاهمین سالگرد آرا و اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۵۰۳-۵۲۱.

عباسی، آریتا (۱۳۸۸)، «یادداشتی بر مقاله بررسی الگوهای واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، مجله زبان‌شناسی، دوره ۲۳، ش ۲ (مسلسل ۴۵)، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۹-۱۲۳.

صفرمقدم، احمد (۱۳۷۴)، «فرهنگستان دوم»، نامه فرهنگستان، س اول، ش ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۱۵۸-۱۷۲.

کافی، علی (۱۳۷۴)، «مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی»، نامه فرهنگستان، س اول، ش ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۴۹-۶۷.

منشی‌زاده، مجتبی و بابک شریف (۱۳۸۴)، «بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، زبان و ادب، دوره ۹، ش ۲۴، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۸-۴۳.

نعمت‌زاده، شهین (۱۳۷۹)، «استدلال در واژه‌گزینی»، نامه فرهنگستان، ش ۴ (مسلسل ۱۶)، زمستان ۱۳۷۹، صص ۱۲۸-۱۳۴.

_____ (۱۳۸۲)، «واژه‌گزینی، تلاشی برای آشنایی با جهان»، نامه فرهنگستان، دوره ۶، ش ۱۴، تابستان ۱۳۸۲، صص ۲-۴.

هاشمی میناباد، حسن و مریم شمسی (۱۳۸۶)، «بررسی الگوهای واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، مجله زبان‌شناسی، دوره ۲۲، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۰۹-۱۱۷.

هزارواژه پزشکی (۱) (۱۳۹۰)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Khodabakhshi, Morteza (2009), *A Comparative-Contrastive Study of the Secondary Term-Formation Processes Adopted by the 1st & 3rd Academies of Persian Language and Literature*, Allameh Tabataba'i University, MA thesis.

Khuwailah, Abdullah A (2010), "IT Terminology and Translation: Cultural, Lexicographic and Linguistic Problems", *LSP Journal*, vol. 1, No. 2, pp. 15-22.

Malmkjar, Kirsten (2004), *The Linguistics Encyclopedia; 2nd Edition*, USA: Routledge.
Rogers, Margaret (2007), "Eu-High-Level Scientific Conference Series", MuTra 2007, *LSP Translation Scenarios*, Conference Proceedings.

Stolze, Radegundis (2009), "Dealing with Cultural Elements in Technical Texts for Translation", *The Journal of Specialized Translation*, 11, pp. 124-140.